

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۸ بهمن ۱۳۸۸، ۱۷ فوریه ۲۰۱۰

سر دبیر، منصور فرزاد - عبدال گلپریان

پیش به سوی هشت مارس گسترده و بین المللی در همه جای دنیا



مینا احدی

اسلامی بوده اند را گرامی بداریم و بر تداوم مبارزه آنان تا به زیر کشیدن این رژیم نکبت و کشتار عهد و پیمان ببندیم .

صفحه ۵

رهائیبخش مردم ایران تبدیل شود. این روز می تواند به روز همبستگی با زنانی تبدیل شود که ۳۱ سال قربانی خشن ترین و آشکارترین تبعیض جنسی بوده اند ولی از پای در نیامده اند! این روز می تواند و باید به روز همبستگی با زنانی تبدیل شود که در صف مقدم انقلاب ایران، ماشین کشتار و جنایت جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده اند و شجاعت و شهامتشان آوازه همه دنیاست. در این روز باید یاد ندا آقا سلطان، این سمبل آزادی زنان ایران و همه زنانی که قربانی توحش جمهوری

تنها چند هفته به هشت مارس روز جهانی زن باقی مانده است. امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی زن می رویم، که در ایران يك انقلاب عظیم علیه یکی از زن ستیزترین حکومتهای دنیا در جریان است . زنان و مردم در ایران به پا خاسته اند و در کشاکش يك نبرد عظیم و قهرمانانه علیه یکی از دیکتاتورترین حکومتهای قرن مبارزه میکنند. ۸ مارس امسال می تواند و باید به يك روز جهانی در همبستگی با جنش برای طلبانه زنان ایران و انقلاب

پیشروی انقلاب، بالندگی چپ و افول اصلاح طلبان حکومتی



محمد آسنگران

مقطع ۱۳ آبان و ۱۶ آذر تا ۶ دی و بالاخره ۲۲ بهمن يك واقعیت انکار ناپذیر را جلو جامعه قرار داد. این واقعیت را در يك سطح کلی و عمومی میتوان چنین بیان کرد: شکست سیاستهای رژیم، سیر رو به افول اصلاح طلبان حکومتی و بالندگی چپ و رادیکالیسم در جامعه. این تصویر روز به روز عیان تر میشود و ادامه این روند نتایجی را ببار خواهد آورد که تعادل قوا و موقعیت جریانات سیاسی دخیل در ایران شباهتی به شرایط کنونی

روند رو به پیش مبارزات مردم در ایران و خارج کشور علیه جمهوری اسلامی در چند ماه اخیر بویژه از

صفحه ۳

منشور مطالبات حداقل، پرچمی برای اعتصابات قدرتمند کارگری



عبدال گلپریان

است اما کافی نیست. فعالین تشکلهای فوق، خود نیز به این امر واقف هستند که باید گامهای بلندتری برداشت. ارائه این منشور در شرایط و

صفحه ۲

را مشترکا اعلام کرده بودند. اما اینبار حرکت متحدانه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه را باید در فاز دیگری از مبارزه کارگران ایران محسوب کرد. این اقدام تلاشی فرا کارخانه ای و فرا منطقه ای است که در نوع خود اقدامی بی نظیر در جنبش مبارزاتی و اعتراضی کارگران

انتشار منشور مطالبات حداقل کارگران از سوی چهار تشکل شناخته شده کارگری در روز ۲۱ بهمن، يك اقدام مهم در جنبش کارگری است. بارها کارگران و تشکلهای کارگری، چه بصورت کارگران يك واحد یا يك تشکل و یا چند تشکل کارگری، بیانیته و خواست و مطالبات خود را از دولت و کارفرمایان طلب کرده اند. قبلا نیز پنج تشکل کارگری در سنج چینی اقدام متحدانه ای را برای کسب خواست و مطالباتشان

۲۲ بهمن: شکستی دیگر برای جمهوری اسلامی!



امکانات ماشین آدم کشی و ارباب و همچنین امکانات تبلیغی خویش را به کار گرفته بود تا مگر این روز را از سر بگذرانند. با این همه در سالگرد قیام بهمن "مرگ بر دیکتاتور"، "خامنه ای قاتله"،

۲۲ بهمن ۱۳۸۸، از تهران، اصفهان، مشهد، اهواز، تا استکهلم، فرانکفورت، لندن و لاهه صحنه اعتراض سراسری و شورانگیز مردم انقلابی علیه جمهوری اسلامی محترض بود.

رژیم اسلامی تمام وحشیگری و

صفحه ۲

تجمع خانواده ها و شماری از مردم مقابل زندان اوین

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

منشور مطالبات حداقل ...

از صفحه ۱



اوضاع انقلابی ایران و از سوی چهار تشکل مطرح و شناخته شده در سطح کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. اهمیت منشور در این است که در سالگرد قیام ۵۷ طرح و اعلام می شود. چنین حرکت شورانگیزی این را می رساند که تلاش و مبارزه جنبش کارگری در سال ۵۷ برای بدست آوردن آسایش و آرزوهای کل جامعه و برای خاتمه دادن به فقر و سیاه روزی بود. در سال ۵۷ جنبش کارگری با اعتصابات قدرتند و کمر شکن، ضربه های نهایی را برای ساقط کردن حکومت سرمایه داری و دیکتاتوری رژیم پهلوی وارد ساخت، اما حکومت تازه بقدرت رسیده اسلامی در آن دوران نه تنها توجهی به این خواستها نکرد بلکه زندگی کارگران و کل جامعه را بمراتب فلاکتبارتر از گذشته کرد. این بار و در شرایط انقلابی امروز در ایران، چنین منشوری و اقدامات بعدی طبقه کارگر این را نشان می دهد که جنبش کارگری ظرفیت و توانایی آنرا دارد که با طرح خواستهای خود و برای متحقق کردن آنها، با متحد و متشکل کردن خود و کل جامعه و با تجربه گرفتن از گذشته، دست به اعتصابات قدرتمندی بزند. طرح این منشور در سی و یکمین سالروز انقلاب ۵۷ و خواستهای انسانی طرح شده در آن گویای اوضاع فعلی جامعه ایران است.

این حرکتی است که انتظار می رود بخش های دیگر کارگری از جمله شورای موقت ذوب آهن اصفهان و مراکز بزرگ دیگر کارگری را بشکلی گسترده و سراسری با خود همراه کند. این اقدام چهار تشکل کارگری افقی برای اعتصابات سراسری کارگری و دخالتگری گسترده کارگران برای تحقق خواستهای برحقشان است. این

"زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و دیگر شعارهای رادیکال و سرنگونی طلبانه مردم در تهران و بسیاری شهرها طنین افکند. فیلم پایین کشیدن و لگد مال کردن عکس خامنه ای و خمینی توسط جوانان معترض در رسانه های بین المللی به نمایش درآمد. برخی محلات تهران ساعتها دست مردم بود و گروههایی از زنان حجاب برگرفتند. بخش هایی از مردم انقلابی به سوی زندان اوین به حرکت درآمدند و تنها با هجوم نیروهای وحشی رژیم اسلامی متوقف شدند. رژیم اسلامی فقط با تکیه بر کنترلی بی سابقه و منتهای شقاوت، با تبدیل کردن صدا و سیما و بیت رهبری و دیگر مراکز حکومتی به قلعه های نظامی، توانست امروز را به شب رساند. در شهرهای اروپایی نیز تنها حضور سنگین نیروهای پلیس مانع از به تسخیر درآمدن سفارتخانه های رژیم اسلامی توسط انبوه تظاهر کنندگان خشمگین و معترض شد. جهان شاهد این کشاکش انقلاب و ضد انقلاب در ایران بود و بار دیگر در روز ۲۲ بهمن

۲۲ بهمن: شکستی دیگر برای ...

از صفحه ۱

بروشنی دید که رژیم رو به موت اسلامی با چه افتضاح و جنایتی برای بقا در برابر يك انقلاب توده ای و ریشه دار دست و پا میزند. خبرنگارانی که رژیم اسلامی به تهران آورده بود تا سخنان رئیس "دولت مرده" را مخابره کنند، تقریباً همگی تلاشهای رژیم در این روز را به تمسخر گرفتند. علیرغم همه تمهیدات جمهوری اسلامی میباید بین المللی از اختناق و سرکوب و جمعیت کرایه ای دولتی خبر داد، و از عزم و اراده مردم ایران برای به گور سپاردن جمهوری اسلامی و اینکه چگونه سرتاپای رژیم را وحشت مرگ فرا گرفته است.

۲۲ بهمن همچنین نشان داد که موعظه های اپوزیسیون مدافع نظام و "دلسوختگان جمهوری اسلامی" خطاب به مردم که "خسوت نکند" تا چه اندازه پوچ و ریاکارانه و چگونه عملاً در خدمت خامنه ای و بقای رژیم اسلامی است. امروز بیش از پیش و برابر میکوشد.

سرتگون باد جمهوری اسلامی!
زنده باد انقلاب انسانی برای
حکومت انسانی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ بهمن ۱۳۸۸، ۱۱ فوریه ۲۰۱۰

مه نیز در همین قالب برای کارگران ایران سنتا معنایی جهانی داشته است. پا فشاری کارگران برای برسمیت شناسی این روز از سوی دولت، قیل از هر چیز اهمیت يك همسرنوشتی طبقاتی و بین المللی را تاکید می کند. این بدین معنا است که اهداف جنبش طبقه کارگر ایران نه کشوری، نه محلی است. این عمق انترناسیونالیستی بودن نگاه تشکلهای کارگری موجود در ایران و در این منشور است که برای رسیدن به مطالبات خود جهانی فکر می کند و روز اول مه نیز بستر و فریادی برای رسیدن به این اهداف است. در نتیجه اول مه برای کارگران از اهمیت بین المللی و يك همبستگی طبقاتی برخوردار است و برای برسمیت شناسی این روز و تحمیل آن به حکومت آنرا تثبیت کند. منشور مطالبات حداقل، پرچمی برای اعتصابات قدرتمند کارگری است. زنده باد همبستگی کارگری.

۱۵ فوریه ۲۰۱۰

بلعیده می شود، اما این بدان معنا نیست که نباید برای افزایش دستمزدها مبارزه و تلاش کرد. بویژه اینکه در این شرایط انقلابی که امروز کل جامعه دارد از سر می گزارد، فشار کارگران بر دولت و کارفرمایان در مورد هر تك خواستی در این منشور و کلا مفاد ده ماده ای آن، از جمله افزایش دستمزدها، خواست بی چون و چرای خانواده های کارگری و کل جامعه است که برای بدست آوردنش باید متحدانه و يك پارچه مبارزه کرد.

جنبش کارگری در ایران با مبارزات پیوسته خود و برای رسیدن به خواستهای حداقلی اش، تا کنون توانسته است با اتکا به يك همبستگی بین المللی صدای خود را به گوش جهانیان برساند. در موارد زیادی از سوی اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف جهان این همبستگی پاسخ مثبت و درخور شایانی گرفته و صدای جنبش کارگری را منعکس کرده است و دهها مورد دیگر از این قبیل. اول

مسئله افزایش دستمزدها از سوی دولت فقط شیره مالیدن بر سر کارگران بوده است. در حالیکه دستمزدها به ۳۰۰ هزار تومان در ماه هم نمی رسد و کمتر از آن هم ماهها بدست خانواده های کارگری نمی رسد، خط فقر بطور رسمی حتی از سوی دولت نیز ۸۰۰ هزار تا يك میلیون تومان اعلام شده است. اما اینکه اعلام بکنند یا نکنند که در سال ۸۸ دستمزدها چقدر افزایش پیدا می کند، باید به این مبارزه و حول افزایش دستمزدها دامن زد. مبارزه برای افزایش دستمزدها هر سال يك جدال و کشمکش همیشگی بین کارگران از يك سو و دولت و کارفرمایان از سوی دیگر بوده است. قطعاً کارگران به مبارزه خود برای افزایش دستمزدها ادامه خواهند داد و علاوه بر این که حتی اگر چنرغازی هم به حقوق ها اضافه شود، از آنجا که این افزایش مسخره آمیز نیز با تورم و افزایش سرسام آور قیمتها در بازار بویژه بر روی اساسی ترین مایحتاج خانواده های کارگری

پیشروی انقلاب، بالندگی چپ و ...

از صفحه ۱

نخواهد داشت. پارامترهای روند تحولات سیاسی تا کنون بالندگی چپ و افول جنبش اسلام سیاسی را نمایان کرده است. با توجه به ادامه اعتراضات توده ای در ایران و فاکتور اوضاع بین المللی، شرایط به ضرر جمهوری اسلامی تغییر کرده است. یک نتیجه پایه ای که از این تحولات حاصل میشود، آغاز افول اسلام سیاسی است.

در نتیجه این تحولات ادامه و تعمیق انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی یک امر قطعی است. اما همزمان با سیر افول اسلام سیاسی، افول جنبش ملی مذهبی و اصلاح طلبان حکومتی هم رقم میخورد. زیرا مردمی که علیه سر مار جنبش اسلام سیاسی در تهران به میدان آمده باشند و بتوانند آنها را عقب برانند و در نهایت شکست بدهند، نمیتوانند به جناحی از همین اسلامیه دخیل ببینند. این طبیعی ترین نتیجه ای است که میتوان از روند اوضاع سیاسی ایران گرفت.

برخلاف تصور خام و محدودنگرانه بعضی از جریانات سیاسی از همان ابتدا هم روشن بود که اصلاح طلبان حکومتی نمیتوانند بر جنبش اعتراضی مردم سیطره داشته باشند. زیرا مردمی که در خیابان قدرت خود را لمس میکنند و همبستگی و نتایج مبارزات خود علیه حاکمیتی قهار را میبینند، خیلی سریع از محدودیتهای اولیه که خاصیت هر جنبش اعتراضی در کشورهای استبدادی است رد میشوند. اینها ما هشت ماه پیش بارها تاکید کردیم. اما کسانی که فکر میکردند ما دچار شیفتگی شده ایم اکنون باید تصورات خود را بررسی و حلاجی کنند.

کسانی که در اپوزیسیون و بویژه در میان جریاناتی که خود را چپ مینامند، این مکانیسمهای تغییر و تحولات جنبشهای اجتماعی را ندیدند و درک نکردند، اکنون باید لنگ لنگان خود را اصلاح کنند. چنین جریاناتی از نقش یک نیروی

پیشرو و روشن بین که چند قدم آتی را میتواند ببیند و قطب نمای خود و جنبشش را به آن سمت تنظیم کند به جریاناتی دنباله رو و اساسا نظاره گر و مفسر اوضاع تنزل کردند. اینها از یک طرف تصورات ذهنی خود را به جای واقعیت جنبش کارگری فرض میکنند. و از طرف دیگر همانند فرقه های مذهبی بدون تحلیل و بدون در نظر گرفتن نقش اراده نیروی انقلابی و کمونیست، فقط به انتظار "مهدی موعود" ساخته و پرداخته ذهنی خود میمانند. بعدا به این موضوع یعنی نقش و جایگاه طبقه کارگر میپردازم.

البته در این میان جریانات حاشیه ای تر و نظاره گر اوضاع که خود را مبصر فرض کرده اند و به امید این نشستند که مردم شکست بخورند و آنها جشن پیروزی شوریهایشان را بگیرند سند مرگ سیاسی خود را امضا کرده اند. ما را به اینها کاری نیست.

روند اوضاع سیاسی در ایران برخلاف لاف و گزافهای جمهوری اسلامی و یاس و سرخوردگیهای اصلاح طلبان حکومتی، تا کنون به ضرر هر دو جناح رژیم پیش رفته است. هر دو جناح رژیم اسلامی دچار سردرگمی عمیقی شده اند که راه برون رفتی از آن ندارند.

با نگاهی به آغاز جنبش انقلابی و توده ای مردم ایران از خرداد ماه تا کنون هر ناظر منصفی متوجه این واقعیت میشود که از یک طرف مردم با اعتماد به نفس بیشتر و با شعارهای رادیکالتر دستاوردهای با ارزشی را کسب کرده اند و از طرف دیگر حاکمان جمهوری اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی هر دو، روز به روز ضعیف تر و بی آینده تر و متشتت تر شده اند. بنابراین

روندهای جنگ مردم با رژیم را میتوان این چنین تبیین کرد: جناح حاکم جمهوری اسلامی تکلیفش روشن است، تا روز پایان عمر خود باید با مردم بجنگد تا در حاکمیت بماند. تمام جنایتهایی که در چند ماه گذشته انجام داده است تنها

گوشه کوچکی از کارنامه سی و یکساله این حکومت است. اما اصلاح طلبان از قدرت رانده شده امثال موسوی - کروبی - خاتمی ... همان راه دوم خرداد را در ابعاد و شرایط دیگری خواستند بی بگیرند که نظامشان را "اصلاح" کنند و به این ترتیب آنها از تعرض مردم مصون بدارند. روند اوضاع نشان میدهد که اینها از شکست قبلی خود درس نگرفته و ناچارا راهی به جز تکرار تجربه شکست ندارند.

اما تفاوت این بار با دوران جنبش دوم خرداد این است که ابتکار عمل به دست مردم افتاده است. مردم در ابعاد میلیونی به خیابان آمده اند و قدرت خود را لمس کرده اند و امکان ادامه این جنبش را با قدرت خود تضمین کرده اند. در دوران جنبش دوم خرداد جنبش سرنگونی در سال ۷۸ پا به میدان گذاشت اما قلب تپنده آن دانشگاه بود که با همکاری هر دو جناح رژیم این جنبش ضربه خورد و نتوانست در ابعاد توده ای ادامه پیدا کند. با این حال جنبش سرنگونی در ابعاد دیگری به حرکت خود ادامه داد و فشار این جنبش جناحهای حکومتی را به جان هم انداخت. در نتیجه آنها برای حفظ نظامشان وارد جدالی جدیدتر از قبل با هم شده اند.

جناح حاکم جمهوری اسلامی به خیال اینکه میتواند همان تجربه گذشته را با کنار زدن اصلاح طلبان تکرار کند همزمان دو تاکتیک را پی گرفت. ادامه سیاست سرکوب به خشن ترین شکل آن علیه مردم معترض و تلاش برای وادار کردن جناح رقیب به سکوت. که تا کنون و بعد از ۸ ماه نتیجه ای نداده است. اینبار فشار خرد کننده جنبش انقلابی مردم کل نظام اسلامی را زیر ضرب گرفته است و سر درگمی هر دو جناح رژیم هم از اینجا ناشی میشود.

بنابر این با توجه به نقشی که جریانات سیاسی و جنبشهای اجتماعی پایدار در سیاست ایران بازی میکنند این روند با تعمیق و گسترده تر شدن پیش میرود. نه تنها به این خاطر که جریانات چپ و حزب ما مایل به ادامه این است. بلکه به این دلیل پایه ای که جامعه

به ادامه این روند احتیاج دارد. به این دلیل که لزوم تغییر و گذر از یک موقعیت استبدادی و وجود فقر و نا برابری و بیکاری و تحقیر زن و ... که بخش جدایی ناپذیر ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی است امروز برای مردم غیر قابل تحمل شده است. مردم تصمیم گرفته اند که این اوضاع را تغییر بدهند. راه خروج از این برزخ تاریخی که جامعه ایران در آن گیر کرده است را میدانند. مردم به این نتیجه رسیده اند که راه خروج جامعه از این موقعیت به چالش طلبیدن قدرت سیاسی و کنار زدن جمهوری اسلامی است.

این تصویر در ذهن اکثریت جامعه به یک امر بدیهی تبدیل شده است. همین موضوع در عین حال مکانیسمهای تغییر جامعه را در جنبشهای اجتماعی ایجاد و گسترش میدهد. جریانات سیاسی جدی و بویژه جنبش سوسیالیستی در ایران برای اینکه بتوانند نقش بازی کنند ناچارند این مکانیسمها را بشناسند و در جهت اهداف خود به آن سمت و سو بدهند. در متن چنین اوضاعی جنبشهای اجتماعی و نمایندگان سیاسی آنها و احزاب منبعث از آنها وارد جدال بر سر قدرت سیاسی میشوند. سمت و سوی این جدال تا همین حالا به نفع رادیکالیسم و بالندگی چپ شیب برداشته است.

با توجه به تجربه ۳۱ سال حکومت مذهبی در ایران و عمق تنفر مردم از آن امکان اینکه بعد از جمهوری اسلامی یک حکومت مذهبی "خوش خیم" از جنس جنبش اسلامی به قدرت برسد در حد صفر است. حتی اگر در جریان دست به دست شدن قدرت بخشی از اصلاح طلبان حکومتی بتوانند در قدرت قرار بگیرند، فقط یک امر موقتی و از نوع دولتهای مستعجل است. مردم به سرعت آنها را کنار خواهند زد و جامعه وارد دوران جدال جدیدتر

جنبش سوسیالیستی و ناسیونالیستی میشود. جنبش سوسیالیستی با پرچم رهایی انسان از همه قید و بندهای جامعه سرمایه داری و جنبش ناسیونالیستی با پرچم ناسیونالیسم و ملی گرایی در زیر پوشش حقوق بشر و منافع ملی و غیره که تلاش میکنند یک

سرمایه داری "مدرن" را در حاکمیت شکل بدهند وارد جدال نهایی خواهند شد.

برخلاف جدال مردم با جمهوری اسلامی که نتیجه آنرا میتوان شکست اسلام سیاسی بطور قطعی اعلام کرد، در جدال ناسیونالیسم و سوسیالیسم پیش بینی برد و باخت ساده نیست. اینجا است که نقش حزب سیاسی کمونیستی و در میدان بودن جنبش کارگری تعیین کننده تر از نقشی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایفا میکنند. اما در این جدال هم زمین به نفع رادیکالیسم و چپ شیب برداشته است. زیرا هنگامیکه مردم در ابعاد توده ای به خیابان می آیند و انقلاب علیه قدرت سیاسی حاکم قد علم میکنند، هیچکس نمیتواند جلو رشد رادیکالیسم و تعمیق مبارزات مردم را بگیرد. با توجه به موارد فوق شناس و امکان قدرت گیری کمونیستها و جنبش کارگری بیشتر از پیش به ایفای نقش حزب کمونیستی گره میخورد.

اینجا است که به این موضوع گره میبرسیم که نقش جنبش کارگری به عنوان یک طبقه، برای پیروزی جنبش کمونیسم کارگری علیه جمهوری اسلامی و دیگر آلترناتیوهای بورژوازی تعیین کننده است. اما سوال این است چه وقتی جنبش کارگری به عنوان طبقه به میدان می آید؟ و یا دقیقتر چرا جنبش کارگری به عنوان یک طبقه و نه آحاد هنوز به میدان نیامده است؟ آیا فعالین و رهبران کارگری متوجه این امر مهم نیستند؟ آیا احزاب سیاسی وظیفه شان این است که مرتب تکرار کنند طبقه کارگر باید به میدان بیاید؟ و یا باید موانع این مسیر را شناخت و بر طرف کرد؟

این روزها در دل تب و تاب جنبش انقلابی مردم، این جمله را مثل اوراد مذهبی بارها از جریانات چپ شنیده و میشنویم که: فقط طبقه کارگر میتواند سیر تحولات را قطعی کند و باید منتظر این اتفاق بود. اما مشکل جریاناتی که خود را چپ و کمونیست مینامند تکرار این تزی نیست بلکه مشکل آنها این است که موانع مقابل این حرکت را

پیشروی انقلاب، بالندگی چپ و ...

از صفحه ۳

نمی‌شناسند.

جنبش کارگری به عنوان یک طبقه باید به میدان بیاید

در پس بیان این مهم درکهای متفاوتی وجود دارد که باید به آنها پرداخت. این درک که گویا کارگران و فعالین و رهبران کارگری به عنوان یک طبقه به این دلیل به میدان نیامده اند که متوجه حساسیت اوضاع نیستند. این یک درک سطحی و خرده بورژوازی از جنبش کارگری و محافل و شبکه های درونی این طبقه است. گویا توده ای از کارگران بی شکل و بی رهبر و بدون درک و بدون تحلیل از اوضاع سیاسی منتظر دستوری از مرکزی خارج از خود است. گویا احزاب سیاسی و یا گروههایی که خود را مدافع کارگران میدانند باید مرتب تکرار کنند و فراخوان بدهند و امر و نهی کنند و به کارگران بگویند که به میدان بیایند و یا چه وقتی به میدان بیایند و ...

اولین مولفه ای که باعث میشود چنین درک سطحی ای شکل بگیرد این است که کارگران و رهبران کارگری را دست کم میگیرند و به وجود یک گرایش قوی سوسیالیستی و خود آگاه در درون جنبش کارگری قایل نیستند. کسانی حتی پا را از این فراتر نهاده و میگویند که این تحولات جاری در ایران به کارگر مربوط نیست و یا مطالبات کارگران مطرح نشده است و ... و گویا به این دلیل هنوز طبقه کارگر وارد میدان نشده است! و این ناشی از درک درست کارگران میدانند! استدلالهای از این نوع را میتوان و راجیهای خرده بورژوازی نامید که میخواهد بی نقشی و محدودنگری و حاشیه ای بودن خود را توجیه کند.

چپ سنتی و غیر کارگری یک دوره ای کارگر برایش در خلق ادغام شده بود و موجودیت طبقاتی و جایگاه مستقل این طبقه را به رسمیت نمی‌شناخت. اکنون که کلمه خلق و ملت و میهن از زبانش افتاده است به عنوان پرچم رادیکالیسم خود مرتب این او را تکرار

این جدال نمیشود و جنبشها و احزاب و جریانات غیر انقلابی و ضد انقلابی را مورد نقد قرار نمیدهد و به انتظار یک مهدی موعود نجات دهنده مینشینند، نمیتواند اعتماد کسی را جلب کند.

این نگرش یک نگرش از بیرون است که بعضا از بالا و طلبکار با کارگران حرف میزنند. اما اکثر جریانات چپ از سر کارگر پناهی به این موضوع پرداخته اند. زیرا خود آنها معلوم نیست در کجای سیاست قرار گرفته اند و معلوم نیست به عنوان یک جریان چه نقشی در تحولات سیاسی ایفا میکنند. بی نقشی و بی تاثیری خود را با کارگر پناهی میخواهند جبران کنند.

اما واقعیت چیست؟ چرا کارگران به عنوان طبقه هنوز نتوانسته اند به میدان بیایند؟ واقعیت این است که موانعی وجود دارد و باید این موانع را شناخت و برای برطرف کردن آن تلاش کرد. این گره اصلی است و باید از اینجا به سراغ راه حل مورد بحث رفت. به جای امر و نهی کردن به کارگران و یا کارگر پناهی روشنفکر مایبانه باید مکانیسمها را شناخت و مشکلات پیش رو را دید و برای تغییر آن قدم برداشت.

این مشکلات کدامها هستند؟ برای درک این مشکلات اول باید متوجه بود که کارگر دانشجو نیست. کارگر مثل خرده بورژوازی نیست. کارگر حتی مثل اقشار کم در آمد مردم عادی و غیر کارگر نیست. کارگر در مبارزاتش نمیتواند ریسک بکند. اولین مشکل این است که کارگران از تشکل سراسری خود محرومند. در شرایط سختی زندگی میکنند و با سرکوب خشنی روبرو هستند. در کنار این فشارها دستمزدها را سر موقع دریافت نمیکند. بنابراین این کارگران اگر بخواهند به عنوان یک طبقه به میدان بیایند در قدم اول باید در میان کارخانه ها و مراکز مختلف کارگری یک هماهنگی ایجاد شود، که این میتواند نتیجه یک تشکل سراسری و یا هماهنگی چندین مرکز کارگری مهم باشد.

همگی به این اذعان دارند که

کارگران از تشکل سراسری خود محروم هستند. هماهنگی چند مرکز مهم کارگری هم با موانع امنیتی و معیشتی جدی روبرو است. زیرا امکان دستگیری و اخراج از کار و ... یک معضل جدی کارگران بویژه فعالین و رهبران کارگری است. میماند اینکه کارگران در این یا آن کارخانه و مرکز کارگری دست بکار شوند که این هم یک ریسک بالا دارد زیرا هم امکان سرکوب آن بیشتر است و هم امکان اخراج، بنابر این کارگر حاضر نیست این ریسک را بکند. زیرا همین دستمزدهای نیمه و ناتمام هم میتواند قطع بشود و خانواده های کارگری از نان خوردن هم بیافتند. کسی که این واقعیات را نمیبیند و فکر میکند با فراخوان و تبلیغ و ترویج کار درست میشود هیچ تصویر واقع بینانه ای از زندگی و مشکلات فعالین و رهبران و خانواده های کارگری ندارد. البته تاکید بر این موضع نباید باعث ایجاد این درک بشود که احزاب و جریانات سیاسی فراخوانی ندهند و به انتظار سیر خود بخودی اوضاع بنشینند. بحث این است که بدون شناخت از مرکب بودن و چند وجهی بودن و پیچیدگی اوضاع و مکانیسمهای پیشروی جنبش کارگری نمیتوان فقط فراخوان داد و یا به انتظار سیر تحولات نشست. بلکه موانع پیش رو را باید دید و بر طرف کرد. نقش حزب کمونیستی و همه فعالین جنبش کمونیسم کارگری برای به میدان آمدن جنبش کارگری، و زدن ضربه نهایی در این راستا تعریف میشود. نه تکرار او را ایدئولوژی و به انتظار ظهور "مهدی موعود" نشست.

درک و شناخت مکانیسمهای اجتماعی در دل تحولات سیاسی جاری برای پیشروی و فایق آمدن بر این موانع مسئله اصلی و گرهی حزب کمونیستی در جواب به این مسئله است.

به نظر من ر. اصغر کریمی در این زمینه جواب دقیق و راه گشایی مطرح کرده است. "امروز فاکتور تعیین کننده در پیشروی جنبش کارگری، حضور فعال کارگران و رهبران و فعالین کارگری در انقلاب جاری است. جنبش توده ای و سرنوشت سازی در

جریان است که سرنوشت همه مردم را و قبل از همه سرنوشت کارگران را رقم میزند. امروز کلید پیشروی در جنبش کارگری قبل از هر چیز در گرو پیشروی این جنبش است. امروز قبل از هر چیز پیشروی کارگران در عرصه سیاست است که راه پیشروی در عرصه های دیگر از جمله تشکل و مبارزات روزمره علیه اجحافات و بی حقوقی های کارگران را باز میکند. هر درجه پیشروی در این انقلاب، هر درجه تغییر توازن قوا و عقب راندن حکومت توسط این جنبش توده ای انقلابی، امکان پیشروی همه جانبه جنبش کارگری را هم فراهم میکند. هر چه بیشتر جمهوری اسلامی زیر ضرب جنبش سراسری و سرنگونی طلبانه مردم باشد، به همان اندازه در برابر اعتراضات و اعتصابات کارگری ناتوان تر است و جنبش کارگری امکان پیشروی بیشتری پیدا میکند و هر چه حضور کارگران در انقلاب وسیعتر و متشکل تر باشد، هر چه کارگران و رهبران کارگری رنگ خود را بیشتر به این جنبش توده ای بزنند، به همان اندازه جنبش کارگری یکپارچه تر و قدرتمندتر میشود و در موقعیت بهتری برای مقابله با کارفرما و دولت قرار میگیرد.

بنابراین امروز در دل این انقلاب است که کارگران باید راه پیشروی خود را پیدا کنند. متشکل شدن در کارخانه و در محلات کارگری از جمله سنگرهای مهمی است که کارگران پیشرو و مبارز باید در مقابل خود قرار دهند. پاسخ درست به مساله را باید در اقدام کارگران لوله سازی خوزستان دید که با استفاده از اوضاع کنونی به خیابان آمدند و مردم به آنها پیوستند و فضای شهر اهواز را تحت تاثیر قرار دادند. اقداماتی شبیه به این باید توسط سایر مراکز کارگری دنبال شود. این اقدامات، هم جنبش عمومی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترده تر، قوی تر و رادیکال تر میکنند و هم جنبش کارگری را در موقعیت تعرضی تری قرار میدهد. کارگران باید با تمام قوا در این جنبش شرکت کنند و علاوه بر مطالبات و شعارهای سراسری علیه جمهوری اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی، لغو آپارتاید جنسی، لغو مجازات اعدام و دفاع

پیش به سوی هشت مارس گسترده و ...

از صفحه ۱



ستم و سرکوب سازمانیافته و وحشیانه علیه زنان در ایران کافی است تا سران جمهوری اسلامی به پای میز محاکمه کشانده شوند. سیاهی و تباهی و بی حقوقی مطلق عهد بربریت که زنان ایران را در خود فرو برده است، یک دلیل کافی است که عاملین و مسببین این وضع به زیر کشیده شوند. جمهوری اسلامی ننگ بشریت قرن بیست و یک است و باید از جانب بشریت متقدم جهان محکوم و طرد و منزوی شود. الگوی طرد و تحریم رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در اوایل دهه نود نمونه موفق از تشریح مساعی مردم جهان برای سرنگونی یک رژیم ضد بشری است. میتوان و باید جمهوری اسلامی را مانند رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی رسوای خاص و عام کرد و از همه جا بیرون راند. هرگونه ماشائاتی با این حکومت، کمک به بقای آن و توهین بزرگی به بشریت است.

هشت مارس بهترین فرصت برای دامن زدن به یک مبارزه بزرگ و اجتماعی در خارج کشور علیه حکومت اسلامی ایران است. هشت مارس بهترین فرصت برای جلب همبستگی میلیونی مردم در دنیا به نفع مبارزات مردم ایران است. ما اعلام میکنیم که هشت مارس امسال باید سال همبستگی با مبارزات زنان و مردم ایران علیه حکومت آپارتاید جنسی باشد. هشت مارس امسال باید سال ابراز بیشترین همبستگی سازمانهای مدافع حقوق زن و مدافعین حقوق انسانی با زنان و مردم ایران باشد.

ما از همه ایرانیان مقیم کشورهای اروپایی و کانادا و آمریکا و استرالیا و هر جای دیگر دنیا دعوت میکنیم که هشت مارس به خیابان آمده و علیه حکومت ضد زن اسلامی فریاد سرنگونی سردهند. از همگان دعوت میکنیم که اعلام کنند حکومت ضد زن اسلامی باید سرنگون شود. که زن و مرد برابر هستند و باید همه قوانین ضد انسانی اسلامی فوراً ملغی شود. در همه جا

خواستهای مطرح شده در مانیفست آزادی زنان ایران را طنین انداز کنید!

(http://equal-rights-now.com/IntWD/IntWD_649.php?nr=63719093&lang=fa)

زنان و مردان آزادیخواه!

مبارزات شما در طول ۸ ماه گذشته در خارج کشور و اعتراضات گسترده و تعرضی شما بمناسبت ۲۲ بهمن در بیش از ۴۰ شهر مختلف دنیا نشان داد که نیروی ما در خارج کشور چه ظرفیت عظیمی دارد، این نیرو بخشی از جنبش عظیم اجتماعی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است، این نیرو می تواند و باید در جهت بسیج میلیونها انسان در اقصی نقاط دنیا در همبستگی با زنان و مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران به حرکت درآید. تحرك پر قدرت این نیرو در ۲۲ بهمن و در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی به کابوسی برای عوامل رژیم در خارج تبدیل شد بطوری که هیچ جا از تعرض ما در امان نبودند! همین نیرو و همین فضای رزمنده و رادیکال باید یکبار دیگر در مراسم ۸ مارس خود را نمایان سازد و عرصه را بر جمهوری اسلامی در خارج تنگ تر کند.

شما را فرا می خوانیم که روز ۶ مارس شنبه، در همه جا در مقابل سفارت خانه ها و کنسولگریهای جمهوری اسلامی ایران تجمع کنید و فریاد خشم و نفرت خود را علیه این حکومت زن ستیز اسلامی بلندتر کنید و حجاب این سمبل بی حقوقی زن را به آتش بکشید. ۸ مارس دوشنبه در مراکز شهرها و در مقابل پارلمانهای کشورهای اروپایی و ... تجمع کنید و اعلام کنید که آپارتاید جنسی در ایران باید ملغی شود، سفارت خانه های رژیم ضد زن جمهوری اسلامی باید بسته شود و روابط دیپلماتیک با این حکومت مدافع بردگی و تحقیر زن باید قطع شود. در همه جا با در دست داشتن عکس ندا بعنوان سمبل آزادیخواهی مردم ایران علیه حکومت اسلامی به میدان بیایید و علیه حجاب اسلامی، علیه اعدام و سنگسار و علیه بی حقوقی زنان ایران در اشکال گوناگون اعتراض کنید، در مراسمی که بمناسبت ۸ مارس برگزار می شود بعنوان سخنران و نماینده زنان ایران پیام نوید بخش آزادی و رهایی آنها را به گوش جهانیان برسانید و از آنها بخواهید که از مبارزات قهرمانانه آنها برای خلاصی از انقیاد جنسی به حمایت برخیزند، بگذار از هزاران مراسم و میتینگ ۸ مارس بیبانه ها و قطعنامه های زیادی در همبستگی با زنان ایران صادر و تصویب شود، بی گمان این قوی ترین پشتوانه در مبارزه رهاییبخش زنان ایران خواهد بود.

مینا احدی
۱۶ فوریه ۲۰۱۰
minaahadi@aol.com

پیشروی انقلاب، بالندگی چپ و ...

از صفحه ۴

آمده کنند که آنها به میدان بیایند. این فقط میتواند یک کج فهمی از بیان این سیاست باشد. زیرا کارگران هیچ وقت نمیتوانند مبارزاتشان را تعطیل کنند. کارگر مدام در حال مبارزه، اعتراض و اعتصاب بوده و هست. بحث ما اینجا بر سر یک اقدام سیاسی سراسری و یا اعتصاب عمومی برای مطالباتی سیاسی است. این یک فاز دیگر و بالاتر از مبارزات جاری را طلب میکند.

علاوه بر شناخت این مکانیسم و برطرف کردن موانع برای وارد شدن به این فاز سیاسی جدی، یک مولفه مهم دیگری را هم باید وارد محاسبه کرد. جنبش کارگری و مردم معترض فقط هنگامی وارد فاز ضربه نهایی میشوند که آلترناتیو حکومتی و رهبر انقلاب خود را انتخاب کرده باشند. این انتخاب و اعتماد یک روزه اتفاق نیافتد. این یک پروسه در جریان مبارزات مردم است که احزاب سیاسی با سیاست و تاکتیکی که جلو روی جامعه قرار میدهند امکان اینرا فراهم میکنند که جامعه بتواند انتخاب خود را بکند. تا همین حالا سیر رویه افول جریانات اصلاح طلب حکومتی و بالندگی چپ و رادیکالیسم در جامعه امکان اینرا بیش از پیش فراهم کرده است که مردم به سیاستهای کمونیستی توجه بیشتری نشان بدهند. نقش احزاب سیاسی و سیاست و تاکتیک مبارزاتی این احزاب تعیین میکنند که مردم تا چه حد آنها را مورد اعتماد خود بدانند.

تحولاتی که در همین چند ماه گذشته اتفاق افتاده است به درجات زیادی طبقه کارگر و کل جامعه را امیدوار کرده است که تعادل قوا را بیش از آنچه اتفاق افتاده است به نفع خود تغییر دهند. ادامه اعتراضات هم به شکل کنونی و هم دیگر اشکال مبارزه در جامعه خواه ناخواه امکانات بیشتری را فراهم میکنند که کارگران در عرصه سازمان یابی و وارد شدن به مرحله اعتصابات سراسری آمادگی بیشتری کسب کنند. لازم به تاکید است که در پیش روی در این پروسه و تعمیق مبارزات و مطالبات مردم نقش حزب کمونیستی و مشخصا حزب کمونیست کارگری اساسی و تعیین کننده است. * * *

از آزادیهای سیاسی و غیره، مطالبات ویژه خود مانند آزادی بی قید و شرط اعتصاب و تشکل، افزایش دستمزد حداقل یک میلیون تومان و سایر مطالبات ویژه خود را طرح کنند. این اقدام هم جنبش سراسری و آزادیخواهانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گامها به جلو خواهد برد و هم مهر جنبش کارگری را بیش از پیش بر انقلاب خواهد کوبید.

ما باید متوجه این واقعیت باشیم که اعتصاب و یا مبارزات سیاسی کارگران در یک یا چند کارخانه که همه رهبران و دست اندرکاران و فعالین آن شناخته شده و میتوانند بلافاصله زیر ضرب قرار گیرند کار راحتی نیست. تظاهراتهای خیابانی یک خود ویژه گی درونی دارد که همه اقدشار و از جمله کارگران هم میتوانند با تقبل ریسک کمتری در آن شریک باشند. اما اعتصاب و مبارزات سیاسی کارگری از چنین ویژگی ای برخوردار نیست. در عین حال رژیم حاکم هم متوجه خطر به میدان آمدن جنبش کارگری هست. اگر کارگران بدون در نظر گرفتن این مولفه ها دست به اعتصاب و یا اقدام سیاسی خطر آفرین برای قدرت حاکمه بزنند احتمال ضربه پذیری و حتی موفقیت رژیم حاکم برای مرعوب کردن جامعه کم نیست. بنابراین جنبش کارگری و فعالین و رهبران آن علاوه بر موانع پیش رو این واقعیت را هم میبینند و نمیخواهند مبارزات خود را با چنین ریسکی مواجه کنند.

تجربه انقلاب ۵۷ و همین انقلاب جاری هم نشان داده اند که در متن انقلاب و هنگامی جنبش کارگری به عنوان یک طبقه اجتماعی به میدان می آید که رشد اعتراضات و تظاهراتهای خیابانی به جایی رسیده باشد که امکان دست زدن به یک اعتصاب عمومی و اقدام سیاسی جدی را فراهم کرده باشد. بنابر این تنها هنگامی جنبش کارگری وارد این فاز میشود که درجه ریسک آن کمتر و موفقیت آن در میان اقدشار وسیع طبقه مسجل به نظر برسد. این امری ارادی نیست که احزاب و یا حتی فعالین کارگری بتوانند به آن مبادرت ورزند. اما از بیان این واقعیت نباید این نتیجه را گرفت که گویا کارگران منتظر خواهند بود که دیگر اقدشار اجتماعی فضا را

تجمع خانواده ها و شماری از مردم مقابل زندان اوین



در ادامه تجمعات اعتراضی در مقابل زندان اوین، روز جمعه ۲۳ بهمن از ساعت ۴ بعد از ظهر خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل در اصلی زندان اوین جمع شدند. خانواده ها و بستگان دستگیر شدگان ۲۲ بهمن نیز به جمع خانواده ها اضافه شده بودند. جمعیت بعد از ساعتی به بیش از ۶۰۰ نفر میرسید. جمعیت با حالت تعرضی نسبت به ماموران حکومت سخن میگفتند و خواهان این بودند که عزیزانشان فوراً آزاد شوند. مامورین و دست اندرکاران زندان در اطراف خانواده ها حضور داشتند و تلاش داشتند آنها را کنترل و آرام کنند اما خشم تجمع کنندگان با اعتراضات تند ابراز میشد. بالاخره شروع به آزادی زندانیان به صورت تک نفره کردند. هر چند دقیقه یکی از زندانیان از زندان آزاد میشد و با موجی از خوشحالی و کف زدن و اشک شوق و ابراز پشتیبانی جمعیت روبرو میشد. گزارشگر ما آزادی ۱۲۵ نفر را تا هنگام ارسال گزارش خبر داده است. بنا به این گزارش سلولهای اوین و زندانهای دیگر از دستگیر شدگان پر شده است و جای تکان خوردن نیست. حتی امکان خواب برای زندانیان وجود ندارد و شیفته میخوانند. زندانیان روحیه هایشان بالاست. شماری از زندانیان مرد را که در بازداشتگاه نیروی انتظامی بودند به اوین برده اند. یاد آوری کنیم که هفته پیش از روز ۱۰

مرگ بر جمهوری اسلامی
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۳ فوریه ۲۰۱۰

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن

و مرد

- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

**اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.**

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!